

تحلیل تربیتی حقوق مشترک زوجین با تأکید بر ادله قرآنی

تسکین فاطمه نقوی^۱ و مریم وفادار^۲

چکیده

هدف این پژوهش، تحلیل تربیتی حقوق مشترک زوجین با تأکید بر ادله قرآنی است. مسئله اصلی تحقیق این است که حقوق متقابل زوجین در قرآن کریم چه جایگاهی در نظام تربیتی اسلام دارند و این حقوق چگونه می‌توانند در شکل‌گیری روابط سالم خانوادگی و شخصیت اخلاقی انسان نقش‌آفرین باشند. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، آیات قرآن کریم و تفاسیر معتبر انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که قرآن کریم با تأکید بر اصولی همچون معاشرت به معروف، مودت و رحمت، احترام متقابل، عدالت و همکاری، خانواده را به‌عنوان یک نهاد بنیادین تربیتی معرفی می‌کند. این آموزه‌ها موجب تقویت فضایل اخلاقی مانند صبر، گذشت، مسئولیت‌پذیری و همدلی در میان زوجین شده و زمینه ایجاد امنیت روانی و عاطفی در فضای خانواده را فراهم می‌سازد. نتایج پژوهش بیانگر آن است که رعایت حقوق مشترک میان همسران، علاوه بر تنظیم روابط حقوقی، نقش اساسی در تحکیم بنیان خانواده، کاهش تعارضات خانوادگی و تربیت نسل سالم دارد. از این‌رو، حقوق زوجین در قرآن کریم صرفاً جنبه حقوقی نداشته، بلکه دارای کارکرد عمیق تربیتی، اجتماعی و معنوی است و می‌تواند به‌عنوان الگویی کارآمد در نظام خانواده اسلامی مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: حقوق مشترک زوجین، احترام، ارث، تحکیم خانواده، تربیت اسلامی

۱. طلبه کارشناسی ارشد فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی خواران، جامعه المصطفی‌العالمیه، مشهد، ایران. یارنامه: sayyedtaskin92@gmail.com

۲. هیئت علمی گروه فقه و معارف اسلامی، جامعه المصطفی‌العالمیه، مشهد، ایران. یارنامه: maryam_vafadar@miu.ac.ir



مقدمه

خانواده به‌عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت فردی و اجتماعی انسان دارد و کیفیت روابط میان زوجین تأثیر مستقیمی بر ثبات و کارکرد تربیتی این نهاد ایفا می‌کند. از این رو، تنظیم حقوق و تکالیف همسران همواره مورد توجه نظام‌های حقوقی و دینی بوده است. در اندیشه اسلامی، ازدواج پیوندی حقوقی و اجتماعی است که منشأ ایجاد حقوق و مسئولیت‌های متقابل میان زن و مرد می‌شود. قرآن کریم به‌عنوان منبع اصلی تشریح اسلامی، چارچوبی کلی و هنجاری برای روابط زوجین ارائه می‌دهد؛ با این حال، در عمل، برداشت‌های جزئی‌نگر یا غیرمنسجم از آیات قرآنی گاه به تفسیرهای نادرست و اجرای ناعادلانه حقوق زوجین انجامیده است. این امر ضرورت بازخوانی حقوق مشترک زوجین با رویکردی منسجم و تربیتی را برجسته می‌سازد.

در زمینه حقوق زوجین در قرآن کریم، پژوهش‌هایی انجام شده است. احمدی (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی حقوق متقابل زن و شوهر در خانواده در سبک زندگی اسلامی و با رویکرد دینی» با رویکردی فقهی-حقوقی به تبیین حقوق متقابل زوجین پرداخته و بیشتر بر احکام و آثار حقوقی تمرکز داشته است، اما به ابعاد تربیتی این حقوق توجه مستقلی نشان نداده است. همچنین عارفه زارعی و احمد جعفری (۱۳۹۸) در مقاله «مودت و رحمت در خانواده» با تأکید بر مفاهیمی چون مودت و رحمت، نقش آموزه‌های اخلاقی قرآن را در تحکیم خانواده بررسی کرده است، ولی حقوق مشترک زوجین را به‌صورت نظام‌مند و در پیوند با ساختار تربیتی قرآن تحلیل نکرده است.

بر این اساس، خلأ اصلی پژوهش‌های پیشین در نبود تحلیلی تربیتی و یکپارچه از حقوق مشترک زوجین با تأکید بر ادله قرآنی قابل مشاهده است. نوآوری پژوهش حاضر در آن است که با رویکردی تربیتی، این حقوق را نه صرفاً به‌عنوان احکام حقوقی، بلکه در قالب یک نظام منسجم قرآنی برای تحکیم خانواده بررسی می‌کند. سؤال اصلی تحقیق آن است که حقوق مشترک زوجین در قرآن کریم چه کارکردهای تربیتی دارند. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای آیات قرآن کریم و منابع تفسیری و فقهی است.

مفهوم‌شناسی

حق و حقوق

حق در لغت به‌معنای راست کردن سخن، درست کردن وعده، یقین نمودن و ثابت شدن است. حق در اصطلاح عبارت است از سلطه ضعیف بر مال یا منفعت، قدرت یک فرد انسانی مطابق با قانون بر انسان دیگر است، مانند خانه یا نباشد مانند طلب (دهخدا، ۱۳۷۷، ج. ۶، ص. ۹۱۴۲). در تعریف «حقوق» آورده‌اند که واژه حقوق معانی متعددی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: جمع حق یعنی راستی‌ها، بهره‌ها، مواجب، اموال و... همین معنای لغوی در علم حقوق و فقه کاربرد فراوان دارد (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ۱)؛ همچنین

حقوق، مجموعه قوانین و مقررات فردی و اجتماعی است که از سوی خدای انسان و جهان، برای ایجاد نظم و عدل در جامعه بشری، تدوین می‌شود تا سعادت جامعه را فراهم کند (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص. ۲۲۷).

زوجین

خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و استحکام آن از اهداف اساسی نظام اجتماعی محسوب می‌شود. در این تحقیق، منظور از زوجین، زن و شوهری هستند که با یکدیگر وارد زندگی مشترک شده‌اند. تعریف اصطلاحی و شرعی خانواده به جهت تحول آن در طول تاریخ به صورت واحد ممکن نیست؛ زیرا خانواده امری عرفی و تابع معیارهای اجتماعی است. با این حال، از دیدگاه شرع مقدس، خانواده عبارت است از زن و شوهری که میان آنان پیوند زناشویی مشروع برقرار شده و روابط خارج از عقد شرعی، خانواده محسوب نمی‌شود. در مجموع، خانواده متشکل از زن و شوهر و فرزندان تحت سرپرستی آنان است که معمولاً با یکدیگر زندگی می‌کنند (امامی، ۱۳۷۴، ج. ۱، ص. ۹۵-۹۶).

حقوق مشترک زوجین از منظر قرآن کریم و تحلیل تربیتی آن

حقوق مشترک زوجین در قرآن کریم صرفاً مجموعه‌ای از قواعد حقوقی برای تنظیم روابط زن و مرد نیست، بلکه دارای کارکردهای عمیق تربیتی در شکل‌گیری شخصیت فردی و اجتماعی انسان است. قرآن با طرح حقوق متقابل همسران، در پی تربیت انسان مسئول، اخلاق‌مدار و خانواده‌محور است و خانواده را به‌عنوان نخستین نهاد تربیتی در جامعه معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج. ۱۶، ص. ۲۷۹). قبل از ورود به حقوق مشترک زوجین و تحلیل تربیتی آن، ابتدا انواع حقوق بیان می‌گردد:

حق مالی

حق مالی امتیازی است که حقوق هر کشور به‌منظور تامین نیازهای مالی اشخاص به آن‌ها می‌دهد. به عبارتی حق مالی آن است که اجرای آن مستقیماً برای دارنده ایجاد منفعتی نماید که قابل تقویم به پول باشد؛ مانند حق مالکیت نسبت به خانه‌ای که مستقیماً برای دارنده آن ارزش پولی دارد و یا حق طلب می‌باشد. دیدگاه دیگر بیان می‌دارد حق بر مال و هرچه ارزش مالی دارد، حق مالی است، مانند حق مالک و حق مستأجر و شفعه و حق طلبکار بر بدهکار. حق مالی حقی است که موضوع آن مال بوده و در نتیجه از اجرای آن مستقیماً برای دارنده، منفعت مالی تولید می‌شود مشخصه منفعت مالی نیز قابل تقویم بودن آن به پول است. (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ج. ۱، ص. ۲۸؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ۱۱۲).

حق غیرمالی

حق غیرمالی، امتیازی است که هدف آن رفع نیازمندی‌های عاطفی و اخلاقی است. حق غیرمالی در مقابل حقوق مالی می‌باشد. حقوق غیرمالی حقوقی هستند که ارزش اقتصادی نداشته و قابل معاوضه با مال نیستند؛ مثل حق ابوت، حق بنوت، حق زوجیت و حق حضور در انتخابات. درخصوص حقوق غیرمالی این دیدگاه نیز بیان شده است که حق غیرمالی آن است که اجرای آن منفعتی را که مستقیماً قابل تقویم به پول باشد، ایجاد نمی‌نماید. برخی از حقوق غیرمالی هستند که ممکن است غیرمستقیم ایجاد حقی نمایند



که آن حق قابل تقویم به پول باشد، این امر آن را حق مالی نمی‌گرداند، مانند زوجیت که ایجاد حق نفقه برای زوجه و حق توارث برای زوجین می‌نماید که آن قابل تقویم به پول است، حقوق غیرمالی قابل واگذاری به غیر نمی‌باشد و بعضی از آن حقوق به سبب مخصوصی قابل زوال است؛ مانند زوجیت که به وسیله فسخ نکاح و طلاق منحل می‌گردد و بعضی دیگر دائمی و غیرقابل زوال و غیرقابل اسقاط است؛ مانند بنوت که به هیچ وجه پدر و مادر نمی‌تواند نسبت مزبور را از خود سلب نمایند. البته بعضی از حقوق غیرمالی قابل اسقاط هستند، به عنوان مثال چنانچه حق نشستن در نقطه معینی از کلاس درس یا سالن نمایش به شخصی اعطا شده باشد، این حق از طرف او قابل اسقاط است (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ج. ۱، ص. ۳۱). در ادامه به تحلیل بعضی از حقوق مشترک زوجین اشاره می‌گردد.

حقوق مشترک غیرمالی زوجین از منظر قرآن کریم و تحلیل تربیتی آن

الف. احترام

پایه و اساس خانواده، احترام و محبت زن و شوهر نسبت به هم و رعایت حقوق یکدیگر است. اسلام برای هریک از زن و شوهر حقوق متقابلی را بیان کرده که توجه به اهمیت و رعایت آن‌ها از جانب دو طرفه متضمن استحکام نظام خانواده است. پیامبر اکرم ۷ می‌فرماید: «أَخْبَرَنِي أَخِي جَبْرِئِيلُ وَ لَمْ يَزَلْ يُوصِيَنِي بِالنِّسَاءِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنْ لَا يَجِلُّ لِزَوْجِهَا أَنْ يَقُولَ لَهَا أَفُّ؛ برادرم جبرئیل مرا خبرداد و همواره مرا به زنان سفارش می‌کرد به طوری که گمان کردم که حلال نیست بر مرد که به زنش «اف» بگوید» (نوری، ۱۳۶۶، ج. ۱۴، ص. ۲۵۳). دین اسلام، در این زمینه، بسیار سفارش و تأکید کرده و در قرآن فلسفه و هدف از زندگی زناشویی، سکونت و آرامش خاطر معرفی شده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا (روم/۲۱)؛ و از نشانه‌های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید»؛ روشن است که این امر در پرتو محبت و مهربانی و رعایت حقوق خانوادگی پدید می‌آید. از این رو در ادامه می‌فرماید: «جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً (روم: ۲۶)؛ و در میانتان محبت و رحمت قرارداد»؛ در قرآن کریم در سوره نساء آیه ۱۹ نیز به احترام گذاشتن به زنان سفارش شده است که می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرَاهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مَبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا (نساء/۱۹)؛ ای اهل ایمان، برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه و جبر به میراث گیرید (مانند جاهلیت) و بر آنان سختگیری و بهانه‌جویی کنید که قسمتی از آنچه مهر آن‌ها کرده‌اید به جور بگیرید، مگر آنکه عمل زشتی از آن‌ها آشکار شود و در زندگانی به آن‌ها به انصاف رفتار نمایید، و چنانچه دلپسند شما نباشند، اظهار کراهت نکنید چه بسا چیزها ناپسند شماست و حال آنکه خدا در آن خیر بسیار مقرر فرماید.

شارع مقدس با تأکید ویژه‌ای که بر تشکیل خانواده و حفظ آن دارد، به منظور رضایت زوجین از زندگی مشترک حقوقی را در روابط زناشویی برای زن و شوهر در نظر گرفته است. امام سجاد (ع) فرمود:

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ أَمَّا حَقُّ الزَّوْجَةِ فَإِنَّ تَعَلُّمَ إِنْ أَلَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَكَ سَكَنًا وَ أَنْسَا فَتَعَلَّمْ إِنْ ذَلِكَ نِعْمَتِهِ مِنْ أَلَّهِ عَلَيْكَ فَتَكْرِمَهَا وَ تَرَفَّقْ بِهَا، وَ إِنْ كَانَ حَقَّكَ عَلَيْهَا أَوْجَبَ فَإِنَّ لَهَا عَلَيْكَ إِنْ تَرَحَّمَهَا لِأَنَّهَا أَسِيرٌ وَ تَطْعِمَهَا وَ تَكْسُوهَا وَ إِذَا جَهِلَتْ عَقْوَتَ عَنْهَا؛ حَقٌّ هَمْسَرْتِ إِنْ أَسْتَأْذِنَكَ خَدَى خَدَى أَوْ رَا وَسِيلَةَ أَرَامِشِ وَ إِنْ تَوَقَّرَ دَادَهُ وَ نِعْمَتِي أَسْتَأْذِنَكَ خَدَى خَدَى تُو، پَسِ أَوْ رَا گَرَامِي بَدَارِي وَ بَا وَي مَدَارَا كُنِي. گرچه تو نیز بر وی حق داری، تو باید دلسوز او باشی؛ زیرا اسیر تو است. باید غذا و لباسش را فراهم سازی و اگر اشتباه کرد ببخشی. (مجلسی، ۱۳۷۴، ج. ۷۴، ص. ۵)

ب. حسن معاشرت

در تنظیم روابط زن و شوهر، اخلاق بیش از حقوق حکومت می‌کند؛ برخلاف آنچه برخی تصور می‌کنند، خانواده تنها یک سازمان حقوقی نیست و قانون توانایی ایجاد نظم در آن را ندارد، بلکه خانواده سازمانی است مخلوط از قواعد حقوقی و اخلاقی که نمی‌توان آن دو را از هم جدا کرد. در این اختلاط نیز غلبه با اخلاق است؛ چون نه تنها بیشتر قوانین راجع به آن ضمانت اجرای مؤثری ندارد، بلکه آنچه هست از اخلاق مذهبی و اجتماعی ناشی شده و در مقررات دولتی نفوذ کرده است.

بر اساس آیه قرآن نیز زوجین مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند. آیه شریفه «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ (نساء/۱۹)؛ و با آنان به صورتی شایسته و پسندیده رفتار کنید» موبد این مطلب است. امام علی (ع) به نقل از رسول خدا (ص) می‌فرماید: «اسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ خَيْرًا؛ یکدیگر را به رفتار نیک با زنان سفارش کنید» (مجلسی، ۱۳۷۴، ج. ۳۳، ص. ۶۲۸). بر اساس فرمایش امام سجاد (ع)، خداوند زن را مایه آرامش و انس قرار داده و او را نعمت خدا دانسته است، بنابراین تکریم، احترام، رفاقت و دوستی با او واجب است (صدوق، ۱۴۱۳، ج. ۲، ص. ۶۲۱). خوش رفتاری و احترام مقابل در زندگی مشترک باعث استحکام پیوند زناشویی و ایجاد احساس خوشبختی در خانواده‌ها می‌گردد. سوءمعاشرت علاوه بر آثار زیان باری که در روابط زوجین ایجاد می‌کند، دارای آثار مخرب اجتماعی و روانی بر روی فرزندان است که امنیت روانی و عاطفی خانواده‌ها را قرار می‌دهد. زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند (ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی). این تکلیف با صراحت کامل در قرآن کریم آمده است: «عاشروهنَّ بالمعروف (نساء/۱۹)؛ با همسرانتان با اخلاق نیکو معاشرت نمایید». از الزامات حسن معاشرت این است که زن و شوهر با یکدیگر زندگی کرده و در محل مشترکی به سر برند؛ بنابراین شوهر مکلف است زنش را در خانه بپذیرد و زن نیز اصولاً مکلف است در خانه شوهر زندگی کند. داشتن روابط جنسی به‌طور متعارف نیز جزئی از خوش رفتاری محسوب می‌گردد. بی‌اعتنایی یکی از آن دو به خواست طرف دیگر در این زمینه، هرگاه مستند به دلیل موجهی نباشد برخلاف حسن معاشرت شمرده می‌شود. اظهار محبت طرفین به یکدیگر از مصادیق حسن معاشرت است. از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که فرمود: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ: «إِنِّي أُحِبُّكَ» لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا؛ سخن مرد به همسرش که دوست دارم هرگز از قلب زن بیرون نمی‌رود» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج. ۲۰، ص. ۲۲۲).



ج. سکون و آرامش

اولین کارکرد خانه، تأمین آرامش جسم و تسکین جان اعضای آن است که البته مرهون امنیت همه جانبه این محیط برای اعضاست. فضای محدود و امن خانه، حریمی (محل محرم) برای ابراز احساسات، بیان اسرار، ارضای غرایز و تأمین نیازهای جسمی و روحی انسان است. این سکونت و امنیت را خداوند به خود نسبت می‌دهد و می‌فرماید: «و الله جعل لکم من بیوتکم سکناً (نحل/۸۰)؛ خداوند از خانه‌های شما محل سکونت و آرامش برایتان قرارداد». این آیه آموزه‌های زیر را دربر دارد:

- (۱) سپاس‌گزار نعمت مسکن و فراورده‌های چهارپایان باشید؛
- (۲) خانه برای آرامش است (پس لازم است اتاق خوابی در آن در نظر بگیرید)؛
- (۳) وسایل زندگی خود را از مواد طبیعی، که از حیوانات تهیه می‌شود، انتخاب کنید؛
- (۴) زمان استفاده از نعمت‌های الهی محدود است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج. ۱۱، ص. ۳۰۰).

د. کمک و همکاری در تشدید مبانی خانواده

ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی بیان می‌کند: «زوجین باید در تشدید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود، به یکدیگر معاضدت کنند». مطابق این ماده زوجین باید در تشدید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود، به یکدیگر معاضدت نمایند. در این ماده، قانون‌گذار ضرورت تشریک مساعی میان زوجین در دو امر تشدید مبانی خانواده و تربیت اولاد را مورد حکم قرار داده است؛ زیرا تشکیل خانواده‌ای مستحکم و بالنده و مملو از آرامش جز به مساعدت و تشریک مساعی زوجین، امکان‌پذیر نیست. مقصود از تشدید مبانی خانواده، یعنی مستحکم نمودن هر امری در خانواده که باعث قوام و بالندگی آن شود. بنابراین ضرورتاً باید از هر امری که بنیان خانواده را سست می‌کند، بپرهیزند. خداوند در آیه ۲۳۳ سوره بقره می‌فرماید:

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارُّ وَالِدَةُ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (بقره/۲۳۳)؛ و مادران بایستی دو سال کامل فرزندان خود را شیر دهند، البته آن کسی که خواهد فرزند را شیر تمام دهد؛ و به عهده صاحب فرزند است (یعنی پدر) که خوراک و لباس مادر را به حد متعارف بدهد، هیچ کس را تکلیف جز به اندازه طاقت نکنند، نه مادر باید در نگرهبانی فرزند به زحمت و زیان افتد و نه پدر بیش از حد متعارف برای کودک متضرر شود و اگر کودک را پدر نبود وارث باید در نگهداری او به حد متعارف قیام کند. و اگر پدر و مادر به رضایت و مصلحت دید یکدیگر بخواهند فرزند را از شیر بگیرند هر دو را رواست، و اگر خواهید که برای فرزندان دایه بگیرید آن هم روا باشد در صورتی که دایه را حقوقی به متعارف بدهید. و از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند به کردار شما بیناست.

آیه شریفه به چند نکته اشاره دارد:

- در مورد پدر و مادر و فرزند، در این آیه کلمات «أب» و «أم» نیامده، بلکه «والد» و «والده» آمده است. زیرا کلمات «أب» و «أم» شامل عمو، معلّم و پدر زن می‌شود. همان‌گونه که زنان پیامبر (ص) امّهات مؤمنان هستند، نه والدات آنها؛
 - چون آیات قبل مربوط به طلاق و جدایی زن و شوهر از یکدیگر بود، لازم است تکلیف کودکان و نوزادان نیز روشن شود، تا آنان فدای اختلافات پدر و مادر نشوند؛
 - توجه به عواطف مادر، اهمیت شیر مادر، مقدار نیاز طبیعی نوزاد به شیر و مدت آن، در این آیه مطرح شده است (قرآتی، ۱۳۸۸، ج. ۱، ص. ۳۶۴).
- همچنین پیام‌های این آیه عبارت‌اند از:
- اسلام، دینی جامع است. حتی برای تغذیه مناسب نوزاد با شیر مادر، برنامه دارد: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ»؛
 - حتّی مادر طلاق داده شده، در شیر دادن نوزادش بر سایرین اولویت دارد: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ»؛
 - مدت شیر دادن کامل دو سال است «حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ»؛
 - باید حقوق مالی و مادّی مادر و دایه در برابر شیر دادن فرزند پرداخت شود «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ... إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ»؛
 - مقدار خرجی باید بر اساس عرف شناخته شده و به قدر توانایی باشد «بِالْمَعْرُوفِ لَا تَكْلَفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا»؛
 - تکلیف، براساس قدرت و به اندازه‌ی توانایی انسان است «لَا تَكْلَفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا»؛
 - فرزند نباید اسباب ضرر به والدین شود «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا»؛
 - باید زندگی مادر در دوران شیردهی تأمین شود، هرچند پدر فرزند از دنیا رفته باشد «وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ»؛
 - از شیر گرفتن کودک، نیاز به مشورت و توافق والدین دارد «فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ»؛
 - زن و شوهر درباره امور نوزاد باید مشورت کنند. «تَشَاوُرٍ»؛
 - در شیر دادن، اول مادر بعد دایه «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ... إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ»؛
 - رعایت تقوا در تغذیه کودکان، بر عهده والدین است «... وَ اتَّقُوا اللَّهَ» (قرآتی، ۱۳۸۸، ج. ۱، ص. ۳۶۴).



۵. وفاداری

هر تشکیلاتی برای خود نیازمند حداقل وفاداری و صمیمیت است. ترک زوج یا زوجه از منزل به منزله فراموشی تعهداتی است که در آغاز ازدواج به یکدیگر سپرده‌اند. زوجین باید قابلیت پاسخ‌گویی به مسئولیت و مشکلات طرف مقابل را داشته باشند. همچنین زن و مرد نباید رابطه نامشروع با فرد دیگری داشته باشند (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۶، ۱۸).

در قرآن کریم در ارتباط با رفتار شوهر نسبت به همسر می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُبُوا النِّسَاءَ كُرْهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا (نساء/۱۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای شما حلال نیست که از زنان، از روی اکراه (و ایجاد ناراحتی برای آن‌ها) ارث ببرید! و آنان را تحت فشار قرار ندهید که قسمتی از آنچه را به آن‌ها داده‌اید (از مهر)، تملک کنید! مگر اینکه آن‌ها عمل زشت آشکاری انجام دهند و با آنان، به‌طور شایسته رفتار کنید و اگر از آن‌ها (به‌جهتی) کراهت داشتید، فوراً تصمیم به جدایی نگیرید! چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد.

همچنین در سوره مؤمنون زمانی که صفات مؤمنان را می‌فرماید از جمله به پایبندی به تعهدات زندگی‌شان و وفادار بودن به همسرشان اشاره می‌نماید (مؤمنون/۸). در سوره بقره «... وَالْمُؤْمِنُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا (بقره/۱۷۷)؛ چون پیمان بستند، وفاداران به پیمان خویشند» نیز کسی را نیکوکار می‌داند که به عهد خود وفادار بماند و در سوره اسراء می‌فرماید: «... وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (اسراء/۳۴)» از تعهدات و وعده‌ها در روز قیامت سؤال می‌شود. این آیه دو پیام زیر را در دارد:

(۱) به پیمان‌ها - هرچه و با هر که باشد- وفادار باشیم «أَوْفُوا بِالْعَهْدِ»؛

(۲) توجه به مسئولیت، انسان را از گناه باز می‌دارد «إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا»؛

لذا زن و شوهر باید نسبت به یکدیگر وفادار باشند، بدین معنی که از برقراری رابطه نامشروع با دیگران بپرهیزند (قرآنی، ۱۳۸۸، ج. ۵، ص. ۵۷).

وفاداری زوجین به یکدیگر از نگاه اسلام در دو جنبه محدود قابل بررسی است:

(۱) جنبه محدود آن تنها به آن بخش از وفاداری مرتبط است که در صورت نقض، از راه

فقهی و حقوقی و از طریق مراجع قضایی قابل پیگیری است: مانند نفقه و تمکین.

(۲) در نگاهی گسترده‌تر هر آنچه خلاف شرع نبوده و از لحاظ عرفی، اخلاق و رفتاری نیک

به شمار آید، دین اسلام در دستوری کلی توصیه کرده که زوجین به مراعات آن‌ها پایبند باشند و البته بیشتر این موارد در صورت نقض، از طریق مراجع قضایی قابل پیگیری نیست.

و. حق سکونت مشترک

یکی از موضوعات مهمی که بعد از ازدواج زوجین پیش می‌آید، تعیین محل سکونت مشترک است. خانواده از زمانی به‌طور جدی آغاز می‌شود که زن و شوهر زیر یک سقف بروند و زندگی مشترک خود را آغاز کنند. سکونت مشترک، به‌عنوان یکی از حقوق غیرمالی زوجین، اختصاص به یکی از زوجین نداشته و به‌عنوان وظیفه‌ای متقابل مطرح است. الزام به سکونت مشترک را نباید با تعیین محل سکونت، اشتباه کرد. حکم مربوط به سکونت مشترک، از قواعد مربوط به نظم عمومی است، حال آنکه در تعیین مسکن به این صورت نیست و در ابتدا ممکن است از حق سکونت مشترک حق مالی فهمیده شود که طبق آیه ۲۱ سوره روم هدف ازدواج رسیدن به آرامش و اطمینان است؛ به گونه‌ای که هریک از آن‌ها منشأ رشد و نشاط دیگری باشند. بنابراین بدیهی است که لازمه رسیدن به این هدف در کنار هم بودن زوجین یا همان سکونت مشترک است (ثمنی، ۱۳۹۰، ۵۴).

ز. حریم نگهداشتن برای زندگی زناشویی

از نظر قرآن، خانه به قدری در مقام و جایگاه بالایی قرار دارد که حفظ حریم آن بر همگان توصیه شده است. خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا (نور/ ۲۷)؛ ای اهل ایمان! به خانه‌هایی غیر از خانه‌های خودتان وارد نشوید تا آنکه اجازه بگیرید»؛ حصر در آیه مذکور به این معناست که خداوند ورود به خانه‌ای غیر را بدون اذن و سلام ممنوع می‌کند. حرمت این حریم را مقدس می‌دارد و ضرورت حاکمیت یک فرهنگ صحیح و صمیمی را در برخورد با اهل خانه بیان می‌کند و می‌آموزد که اهل خانه باید در روابط با یکدیگر، علاوه بر رعایت همه شئون انسانی در برخوردشان، از راه تکلم که نزدیک‌ترین و شایع‌ترین ارتباط است، نیز این یگانگی را بیان کنند و سلام واژه‌ای است که این پیام را دارد؛ علاوه بر آنکه آرزوی سلامت و امنیت از جانب سلام‌کننده را ابلاغ می‌کند. نگه‌داشتن عده نیز زیر مجموعه حفظ حریم زناشویی است، همان‌طور که خداوند در مورد عده وفات نیز می‌فرماید:

وَالَّذِينَ يَتُوفَوْنَ مِنْكُمْ وَيُذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغَ أَجَلُهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (بقره/ ۲۳۴)؛ و مردانی که بمیرند و زنانشان زنده مانند، آن زنان باید از شوهر کردن خودداری کنند تا مدت چهار ماه و ده روز بگذرد، پس از انقضاء این مدت بر شما گناهی نیست که آنان در حق خویش کاری شایسته کنند (از زینت کردن و شوهر نمودن)، و خداوند از کردارتان آگاه است.

حقوق مشترک مالی زوجین از منظر قرآن کریم و تحلیل تربیتی آن

با توجه به آموزه‌های اسلامی، در زندگی زناشویی، مرد است که تکفل مالی زن را به عهده دارد؛ بنابراین اگر چه عنوان حقوق مشترک در تیتراژ آمده است، ولی بیشتر مباحث حقوق مالی زناشویی، مربوط به حقوقی



است که مرد در مقابل زن باید رعایت کند، اما مواردی مانند ارث است که بین زن و مرد مشترک است؛ پس ابتدا به حقوق اختصاصی زنان اشاره و بعد حقوق مشترک بیان می‌گردد:

الف. نفقه

نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذای اناث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض. فقهای امامیه معمولاً نفقه زوجه را به معنای غذا، لباس، مسکن، مستخدم و هزینه نظافت و آرایش در حد عادت و رسوم زنان هم‌مدیف او در آن شهر گرفته‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج. ۲، ص. ۳۳۲). از نظر قرآن کریم و سنت بر زوج واجب است نفقه زوجه را بدهد و آن عبارت است از آنچه که در میان مردم به عنوان هزینه زندگی معمول است. مراد از جمله: «بما انفقوا» در آیه ۳۴ سوره نساء، مهریه‌ای است که مردان به زنان می‌دهند، و نفقه‌ای است که همواره به آنان می‌پردازند (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج. ۴، ص. ۵۴۳).

از جمله آیاتی که در مورد وجوب نفقه بیان شده است، عبارت‌اند از: «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ (بقره/۲۳۳)؛ تأمین خوراک و پوشاک مادران شیردهنده به‌طور شایسته و متعارف بر عهده پدر فرزند است» که بر وجوب تأمین هزینه‌های زندگی زن توسط شوهر دلالت دارد. همچنین در آیه دیگر می‌فرماید: «أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ (طلاق/۶)؛ زنان طلاق داده را [تا پایان عده] به اندازه توانگری خود آنجا سکونت دهید که خود سکونت دارید» که دلالت بر لزوم تأمین مسکن برای همسر دارد. فقهای امامیه با استناد به این آیات و روایات متعدد، نفقه را از حقوق مالی مسلم زوجه دانسته‌اند که بر ذمه شوهر واجب است (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ۲/۳۳۲؛ نجفی، ۱۴۰۸، ۳۱/۳۰۲).

البته وجوب نفقه خود شرایطی دارد که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

(۱) دائمی بودن عقد؛ از شرایط اساسی وجوب نفقه، دائمی بودن عقد ازدواج است. فقهای

امامیه اتفاق نظر دارند که نفقه تنها در عقد دائم واجب است و در عقد منقطع الزامی برای

پرداخت نفقه وجود ندارد، مگر آنکه شرط شده باشد (نجفی، ۱۴۰۸، ج. ۳۱، ص. ۲۹۵).

(۲) تمکین زوجه؛ از دیگر شرایط وجوب نفقه، تمکین زوجه است. هرگاه زن بدون عذر

شرعی از انجام وظایف زناشویی امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود. تمکین در فقه

به دو قسم تقسیم می‌شود: تمکین خاص یعنی انجام وظایف زناشویی و برقراری رابطه

زوجیت؛ تمکین عام یعنی اطاعت زن از شوهر در امور متعارف زندگی مشترک، مانند

سکونت در منزل تعیین شده توسط شوهر و خروج از منزل با اذن او.

ب. مهریه

در قرآن مجید واژه مهر به کار نرفته است، بلکه از لغات معادل آن استفاده شده است. آیه زیر مبنای فقهی مهر در قرآن است: «وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً (نساء/۴)؛ صدق‌های زنان را به‌عنوان بخشش پرداخت

نمایید». خداوند در این آیه شریفه به حقوق مالی زن اشاره می‌کند و از همسران خواستار پرداخت مهریه به زنان می‌باشد.

قرآن با این بیان زیبا، مردان را دعوت کرده که بدون رنجش و با کمال آرامش مهریه آنان را بپردازند: «وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَ قَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ... (بقره / ۲۳۷)؛ و هر گاه زنان را قبل از هم‌بستری طلاق دادید نیمی از مهر آنان را پرداخت کنید».

ج. ارث

یکی از حقوق مشترک زوجین، ارث بردن مرد و زن از یکدیگر بعد از فوت یکی از آن‌ها است. مبنای این توارث در آیات متعددی از قرآن بیان شده است. ارث سنتی است که از قدیمی‌ترین دوران‌های اجتماع بشر و برطبق سرشت و طبیعت وی وجود داشته است و می‌توان گفت ارث با موت همزاد است؛ یعنی از زمانی که مرگ و میر بوده است، بلافاصله در پی آن نیز ارث تحقق یافته است. ارث در شکل فطری و طبیعی خود در همه جوامع و قوانین دنیا از ابتدا وجود داشته است، هرچند تابع شرایط و تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع بوده و در نتیجه در هر کدام از آن‌ها به شیوه‌ای متفاوت اجرا می‌شد. از آنجا که موضوع ارث از قدیم تا کنون موضوعی بحث برانگیز بوده و همیشه موضوعی قابل توجه است نیاز به بررسی دقیق آن هم‌چنان احساس می‌شود (ربوبیت، ۱۳۸۷). در فقه نیز ارث، انتقال مالکیت اموال میت پس از فوت به وراث او می‌باشد (شهیدی، ۱۳۸۴).

چیزی که در اکثر دوره‌های تاریخی جای انکار ندارد محروم کردن زنان از ارث بوده است. در تمدن‌های اولیه، هرکس نیرومندتر بود، اموال شخص مرده را به تصرف خود درمی‌آورد و افراد ضعیف و ناتوان از جمله زنان و کودکان را محروم می‌ساخت. اعراب جاهلی بر پایه آداب و رسوم خود به زنان، کودکان و افراد ناتوان، ارث نمی‌دادند، زیرا زنان به خانواده‌های شوهران خود تعلق داشتند و ارث‌بری آنان موجب ضعف خانواده و تقویت مالی خانواده دیگری می‌شد؛ اضافه بر آنکه توان حمل سلاح و دفاع از قبیله را نداشتند و همانند کودکان و افراد ناتوان می‌بایست تحت حمایت و مراقبت قبیله باشند (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج. ۴، ص. ۲۲۴)؛ اما اسلام در زمینه ارث، تحولی عمیق ایجاد کرد و اولین نظام حقوقی جهان بود که به زنان حق ارث اعطا کرد و بر همه سنن پیشین خط بطلان کشید و زن را نیز مانند مرد مستحق ارث دانست. قرآن کریم در آیه ۱۹ سوره نساء می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا (نساء/۱۹)؛ ای اهل ایمان، برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه و جبر به میراث گیرید (مانند جاهلیت)، و بر آنان سخت‌گیری و بهانه‌جویی نکنید که قسمتی از آنچه مهر آن‌ها کرده‌اید به جور بگیرید، مگر آنکه عمل زشتی از آن‌ها آشکار شود.



و در زندگانی به آن‌ها به انصاف رفتار نمایید، و چنانچه دلپسند شما نباشند (اظهار کراهت مکنید) چه بسا چیزها ناپسند شماست و حال آنکه خدا در آن خیر بسیار مقدر فرماید. از جمله ادله فقهی ارث بردن زن و شوهر از هم، آیه ۱۲ سوره نساء است که با صراحت، سهم هر کدام از زن و شوهر از ارث را مشخص کرده است:

وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وِلْدٌ، فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وِلْدٌ فَلَكُمْ الرَّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ...
 وَلَهُنَّ الرَّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وِلْدٌ، فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وِلْدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ... (نساء / ۱۲)؛
 نصف میراثی که همسران‌تان به جای می‌گذارند، اگر فرزندی نداشته باشند برای شماست، و اگر فرزندی داشته باشند یک چهارم میراث حق شماست... و برای زنان‌تان چنانچه فرزندی نداشته باشید یک چهارم میراثی است که از شما به جای می‌ماند، و اگر فرزندی داشته باشید یک هشتم میراث حق آنان است.

همچنین در آیه ۷ همین سوره می‌فرماید:

لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا (نساء / ۷)؛ برای مردان از آنچه پدر و مادر و نزدیکان [پس از مرگ خود] به جای می‌گذارند سهمی است؛ و برای زنان هم آنچه پدر و مادر و نزدیکان به جای می‌گذارند سهمی است، اندک باشد یا بسیار، سهمی است لازم و واجب.

این آیه به صورت یک قاعده کلی و بنیادین، اصل حق ارث برای زنان و مردان را تثبیت کرده و هرگونه محرومیت جنسیتی را نفی می‌کند. همچنین قرآن در نفی سنت‌های جاهلی تصریح می‌کند: «یا ایها الذین آمنوا لا یجل لکم ان تریثوا النساء کرها (نساء / ۱۹)؛ ای اهل ایمان! برای شما ارث بردن از زنان در حالی که خوشایند شما نیستند [و فقط به طمع به دست آوردن اموالشان پس از مرگشان با آنان زندگی می‌کنید] حلال نیست». مفسران معتقدند که این آیات نشان می‌دهد اسلام برای نخستین بار در تاریخ نظام‌های حقوقی، زن را به عنوان شخصی دارای اهلیت مالی مستقل به رسمیت شناخت و او را از موضوع ارث به فاعل ارث تبدیل کرد (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج. ۴، ص. ۲۲۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۳/ ۳۷۸).

از منظر تربیتی، این آموزه قرآنی موجب ارتقای منزلت انسانی زن، اصلاح نگرش مردسالارانه و تقویت اصل عدالت در روابط خانوادگی می‌شود. تفاوت در سهم ارث نیز نه از باب برتری ارزشی، بلکه بر اساس نظام مسئولیت اقتصادی در خانواده تبیین می‌شود؛ زیرا مرد در نظام اسلامی موظف به پرداخت نفقه و تأمین معیشت خانواده است. از دیدگاه قرآن کریم زن و مرد هر دو دارای حق قطعی ارث هستند. محرومیت زنان از ارث رفتاری جاهلی و مردود است. تفاوت سهم‌ها کارکرد اقتصادی و تربیتی دارد، نه تبعیض ارزشی. در قبال ظاهر آیات قرآن که بر ارث بردن زن از شوهر به صورت مطلق دلالت دارد، مجموعه‌ای از روایات در منابع فقهی وارد شده است که در برخی از آن‌ها، محرومیت زوجه از ارث زمین و عقار مطرح شده است. این روایات از نظر دلالت، به چند دسته کلی تقسیم می‌شوند:

- (۱) دسته اول؛ روایاتی که ظاهر آن‌ها دلالت بر محرومیت زوجه از ارث مطلق زمین و عقار دارد، بدون آنکه به کیفیت ارث او از ساختمان اشاره‌ای شود؛ مانند روایت زراره از امام باقر (ع) که می‌فرماید: «النِّسَاءُ لَا يَرِثْنَ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا مِنَ الْعَقَارِ شَيْئاً؛ زنان از زمین یا اموال غیرمنقول ارث نمی‌برند» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج. ۲۶، ص. ۲۱۲).
- (۲) دسته دوم؛ روایاتی که زوجه را از ارث زمین و ضیاع محروم می‌دانند، اما ارث بردن او از عین ساختمان را می‌پذیرند؛ مانند روایت نقل شده از امام باقر (ع) که بر ارث بردن زن از خود بنا دلالت دارد (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج. ۹، ص. ۳۰۰).
- (۳) دسته سوم؛ روایاتی که قائل به تفصیل هستند و بر اساس آن‌ها، زوجه از زمین ارث نمی‌برد، اما از قیمت ساختمان، مصالح و اموال منقول بهره‌مند می‌شود. اکثر روایات باب میراث زن در این دسته قرار می‌گیرند و در برخی از آن‌ها حتی محرومیت از سلاح و چهارپایان نیز مطرح شده که از نظر بسیاری از فقها قابل پذیرش نیست و حمل بر شرایط خاص می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۷، ص. ۲۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج. ۲۶، ص. ۲۱۲).
- (۴) دسته چهارم؛ روایاتی که دلالت بر عدم محرومیت زوجه دارند و به صراحت ارث بردن زن از تمام اموال شوهر، حتی زمین و خانه را اثبات می‌کنند؛ مانند صحیح ابن ابی یعفور از امام صادق (ع) و روایت صدوق که ارث بردن زنان دارای فرزند از رباع را تأیید می‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج. ۲۶، ص. ۲۱۲؛ صدوق، ۱۴۱۳، ج. ۴، ص. ۳۴۹).
- با توجه به اختلاف ظاهری روایات، فقهای امامیه در مقام جمع میان آن‌ها بر این باورند که روایات محدودکننده ارث زوجه باید در پرتو اطلاق آیات قرآن تفسیر شوند و نه بالعکس. از این رو، بسیاری از فقها این روایات را حمل بر شرایط خاص اجتماعی، مصالح اقتصادی عصر صدور یا بر نحوه خاصی از تصرف در اموال کرده‌اند. بنابراین، دیدگاه غالب فقه امامیه آن است که اصل قرآنی ارث زن مقدم است و روایات نمی‌توانند منجر به نفی حق قطعی زن در قرآن شوند (نجفی، ۱۴۰۸، ج. ۳۱، ص. ۳۰۳).

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم حقوق مشترک بین زوجین را صرفاً به‌عنوان مجموعه‌ای از احکام حقوقی مطرح نکرده، بلکه آن‌ها را در قالب یک نظام تربیتی و اخلاقی منسجم ارائه داده است. پاسخ به سؤال اصلی تحقیق نشان می‌دهد که هدف قرآن از طرح حقوق متقابل زن و مرد، ایجاد توازن میان حقوق و تکالیف و تربیت انسان مسئول، اخلاق مدار و خانواده‌محور است. از مهم‌ترین نتایج پژوهش آن است که قرآن، حقوق غیرمالی و اخلاقی مانند مودت، رحمت، حسن معاشرت، وفاداری و همکاری را به‌عنوان بستر و زیربنای اجرای حقوق مالی قرار داده است. به عبارت دیگر، بدون تحقق حقوق عاطفی و اخلاقی، حقوق مالی همچون نفقه و ارث نیز کارکرد تربیتی و اجتماعی مطلوب خود را از دست می‌دهند. همچنین تحلیل آیات مربوط به قوامیت نشان داد که این مفهوم در قرآن نه به‌معنای سلطه مرد بر زن،



بلکه به معنای مسئولیت‌پذیری مرد در تأمین امنیت، آرامش و مدیریت عادلانه خانواده است. از این رو، قوامیت یک تکلیف است نه امتیاز، و در چارچوب عدالت و کرامت انسانی معنا پیدا می‌کند. در نهایت، نتایج پژوهش حاکی از آن است که فهم حقوق زوجین در قرآن باید به صورت نظام‌مند و کل‌نگر صورت گیرد، نه گزینشی و جزئی‌نگر. چنین نگاهی می‌تواند پیامدهای کاربردی مهمی برای قانون‌گذاری خانواده، مشاوره‌های روان‌شناختی و تربیت دینی داشته باشد و زمینه‌ساز اصلاح نگرش‌های نادرست، کاهش تعارضات خانوادگی و تحکیم بنیان خانواده در جامعه اسلامی گردد.

منابع

قرآن کریم

- امامی، سید حسن. (۱۳۷۴). حقوق مدنی (ج ۱). تهران: اسلامیه.
- ثمنی، لیلا. (۱۳۹۰). حقوق غیرمالی زوجین از دیدگاه مذاهب خمسسه. تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان، روابط عمومی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۸). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
- حر عاملی، محمدحسین. (۱۴۱۴). وسائل الشیعه (ج ۲۰). قم: آل البیت.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا (ج ۶). تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ربوبیت، ریحانه و قنادی، نیان. (۱۳۸۷). بررسی ارث زوجه و تحولات قانونی اخیر. کانون وکلای دادگستری، دوره جدید (۱).
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۷). تفسیر مهر (ج ۱۱). قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- شهیدی، مهدی. (۱۳۸۴). ارث. تهران: انتشارات مجد.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه (ج ۲ و ۴). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۴۰۷). تهذیب الأحکام (ج ۹). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۸۱). تفسیر المیزان (ج ۴). قم: دفتر تبلیغات اسلامی قم.
- قراقرتی، محسن. (۱۳۸۸). تفسیر نور (ج ۱). تهران: مرکز فرهنگی درس‌های قرآن.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۶). مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی (ج ۷). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۷۴). بحار الأنوار (ج ۳۳ و ۷۴). تهران: المکتبه الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه (ج ۳). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- موسوی بجنوردی، سید محمد و مهرگان، بتول. (۱۳۹۶). بررسی حقوق و تکالیف غیرمالی زوجین بر اساس مصلحت خانواده با رویکردی بر نظر امام خمینی. پژوهشنامه متین، (۷۶).
- موسوی خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۹). تحریر الوسیله (ج ۲، کتاب النکاح). قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- نجفی، محمدحسین. (۱۴۰۸). جواهر الکلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۳۶۶). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (ج ۱۴). بیروت: مؤسسه آل البیت (ع) لاحیاء التراث.